

بررسی موانع کارآفرینی زنان بلوچ شهرستان سراوان

مجید کریم زاده*

استادیار گروه اقتصاد مجتمع آموزش عالی سراوان

چکیده

حضور زنان در بازار کار بر حسب شرایط محیطی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی هر کشور متفاوت است و به عوامل گوناگونی بستگی دارد از جمله این عوامل می‌توان به مشارکت زنان، اندازه و سیاست‌های دولت، توزیع درآمد و هزینه‌ی خانوار، میزان بیکاری، شرایط محیطی خانواده، میزان سواد و سایر عوامل فرهنگی و اجتماعی اشاره کرد. این پژوهش بر آن است که با استفاده از روش تحلیل سلسله مراتبی فازی به رتبه‌بندی موانع توسعه کارآفرینی زنان بلوچ در شهرستان سراوان در استان سیستان و بلوچستان بپردازد. پژوهش حاضر مطالعه‌ای توصیفی-تحلیلی است که در سال ۱۳۹۶ انجام گرفته‌است. نتایج به‌دست آمده این موضوع را بیان می‌کند که از بین موانع موثر بر کارآفرینی زنان بلوچ در شهرستان سراوان موانع شخصیتی - فرهنگی، موثرترین موانع فراروی کارآفرینی زنان بوده و موانع اقتصادی، موانع حمایتی، موانع آموزشی و موانع

*نویسنده مسئول: karimzadeh111@yahoo.com

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۱۰/۱۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۶/۱۵

DOI:10.22051/JWSPS.2019.17093.1560

زیرساختی در اولویت‌های بعدی قرار دارند. نتایج همچنین نشان داد که از بین موانع شخصیتی- فرهنگی به‌عنوان مهم‌ترین مانع پیش روی زنان شهرستان، محدودیت‌های فرهنگی در منطقه از قبیل تعصبات و تبعیضات دارای بالاترین اولویت است.

واژگان کلیدی

کارآفرینی، زنان، سراوان، تحلیل سلسله مراتبی فازی

مقدمه و بیان مسئله

به اعتقاد جمع کثیری از اندیشمندان، کارآفرینی موتور محرکه‌ی رشد و توسعه‌ی اقتصادی در عصر مدرن است (ویلیامز، ۲۰۰۷: ۶۲۳-۶۳۰). کارآفرینی مفهومی است که از دیرباز در ادبیات و متون اقتصادی شناخته شده و فراروی اشتغال زنان در جوامع توسعه یافته و در حال توسعه و پیش روی دست اندرکاران این بخش قرار گرفته است (شیخیان و همکاران، ۱۳۸۲). در طی تاریخ بشر زنان دوشادوش مردان در بخش تولید فعال بودند و همواره بخش مهمی از نیروی کار تولیدی روستاها و شهرها را تشکیل داده‌اند. آن‌ها در بخش عظیمی از تولیدات اقتصادی و اجتماعی سهیم بوده‌اند، اما متأسفانه در آمارهای اقتصاد کلان به آن‌ها آنچنان که شایسته است توجه نشده‌است. (ملکی، ۱۳۷۷: ۲۲). در سال‌های اخیر، یکی از محورهای عمده در پژوهش‌های مرتبط با کارآفرینی، بررسی عوامل تاثیرگذار بر انجام دادن فعالیت‌های کارآفرینانه از سوی زنان بوده و پژوهشگران بسیاری به مطالعه در این حوزه پرداخته‌اند. با مروری بر مباحث نظری و مطالعات تجربی در زمینه‌ی کارآفرینی زنان می‌توان نتیجه گرفت که حضور زنان در بازار کار بر حسب شرایط محیطی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی هر کشور متفاوت است و به عوامل متعددی از جمله مشارکت زنان، اندازه و سیاست‌های دولت، توزیع درآمد و هزینه‌ی خانوار، درصد بیکاری، شرایط محیطی خانواده، میزان سواد و سایر عوامل فرهنگی و اجتماعی بستگی دارد (یعقوبی فرانی و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۳).

استان سیستان و بلوچستان از استان‌های کمتر توسعه یافته کشور است. بیکاری زیاد، فقر گسترده، محرومیت‌های اقتصادی و اجتماعی از ویژگی‌های بارز این استان پهنور است. این استان با توجه به همسایگی با کشورهای افغانستان و پاکستان و رواج برداشت‌های خاص از



باورهای مذهبی و همچنین ساختار زندگی سنتی و قبیله‌ای شرایط چندان مناسبی جهت انجام فعالیت‌های کارآفرینانه به‌خصوص برای زنان ندارد. این پژوهش بر آن است که با استفاده از روش تحلیل سلسله مراتبی فازی به رتبه‌بندی موانع توسعه کارآفرینی زنان در شهرستان سراوان از توابع استان سیستان و بلوچستان بپردازد. شهرستان سراوان با فاصله ۳۳۴ کیلومتری از مرکز استان، دارای ۳۸۴ کیلومتر مرز مشترک با کشور پاکستان است. این شهرستان با مساحت ۱۳۲۷۴ کیلومتر مربع دارای ۱۹۱۶۶۱ نفر جمعیت بوده که از این تعداد ۹۰۹۰۶ نفر ساکن مناطق شهری هستند. ساختار اقتصادی شهرستان بر پایه کشاورزی و تجارت مرزی است و متأسفانه فعالیت‌های تولیدی و صنعتی رواج چندانی در این شهرستان مرزی ندارد. براساس آمار اعلامی از سوی سازمان‌های مختلف جمعیت بیکار این شهرستان بسیار زیاد است.

طبق آمار سال ۱۳۹۵، ۴۹ درصد از جمعیت ساکن شهرستان را زنان تشکیل می‌دهند و با توجه به ساختار سنتی شهرستان علی‌رغم وجود پتانسیل‌های زیاد برای اشتغال زنان در حوزه‌های صنایع دستی، صنایع خانگی و ... متأسفانه نگرش مردم محلی نسبت به اشتغال زنان چندان مناسب نبوده و بنابراین با توجه به این مشکلات و همچنین توسعه نیافتگی شهرستان، میزان مشارکت زنان در فعالیت‌های اقتصادی بسیار پایین است. باورهای خاص مذهبی و فرهنگی رایج در شهرستان که تحت تأثیر فرهنگ کشورهای همسایه بوده باعث شده زنان را موجوداتی ضعیف و محدود به خانه دانسته و وجود این تفکر امکان بروز توانمندی‌ها و استعداد‌های این قشر عظیم جامعه را از آن‌ها سلب نموده‌است. همچنین لازم به ذکر است که در بخش‌هایی از این شهرستان اصولاً کار خارج از خانه زنان را عیب بزرگی دانسته و مانع از حضور زنان در بازار کار می‌شوند. بنابراین، با عنایت به موارد ذکر شده، زنان در این شهرستان با چالش‌های زیادی مواجه‌اند و جایگاه اشتغال آنان در فعالیت‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی چندان مناسب نبوده و با توجه به اهمیت نقش زنان در راستای توسعه اقتصادی

شهرستان، ترویج و توسعه کارآفرینی زنان از مهم‌ترین راهبردهایی است که باید در راس برنامه‌های توسعه شهرستان قرار گیرد.

چارچوب مفهومی

توسعه کارآفرینی به عنوان یک استراتژی کلان در یک جامعه، مستلزم افزایش و یا بهبود ادراکات، گرایش‌ها و رفتار کارآفرینانه در کلیه سطوح فردی، تیمی، سازمانی، صنعت و ... به‌ویژه در سطح ملی است. طی سال‌های اخیر، بسیاری از کشورها، توسعه کارآفرینی و فعالیت‌های کارآفرینانه را در دستور کار خود قرار داده‌اند. در همین راستا نهادها و انجمن‌های بین‌المللی نیز تشکیل شده‌است. اما پاسخ به این سوال که چرا در برخی کشورها، ادراکات، گرایش‌ها و رفتارهای کارآفرینانه بیش از سایرین است ریشه در عوامل مهم اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی جامعه از جمله ارزش‌ها و فرهنگ ملی، سیاست و برنامه‌های دولت، مقررات و فرایند ثبت شرکت‌ها، نظام بانکی، نظام پرداخت مالیات، نظام تعلیم و تربیت، نهادهای حقوقی و قانونی، نظام نوآوری، بازارهای مالی، انعطاف‌پذیری بازار کار و ... دارد. مطالعه تطبیقی کشورها حاکی از آن است که پشتوانه موفقیت بسیاری از کشورها در موضوع توسعه کارآفرینی، علاوه بر حمایت‌های گسترده دولتی، ایجاد فضای حقوقی و قانونی مناسب، وجود نهادهای مدنی سازمان یافته و قدرتمند، توسعه زیرساخت‌های نوآوری و تجاری‌سازی، توسعه انرژی‌های پاک و ... است (وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، ۱۳۹۰).

نقش اشتغال در پویایی زندگی انسان‌ها انکارناپذیر است و می‌توان آن را کانون ارتباطات انسانی و اجتماعی تلقی کرد. در جهت این پویایی، بی تردید زنان به‌عنوان نیمی از جمعیت، تاثیر مستقیمی در توسعه جامعه دارند. در جامعه‌ای که مشارکت زنان در زمینه‌ی اشتغال و فعالیت‌های اقتصادی بیشتر باشد، رفاه اجتماعی نیز بیشتر خواهد بود. زیرا مشارکت زنان در بازار کار موجب کاهش نرخ باروری، افزایش سطح تولید، افزایش درآمد سرانه و در نتیجه کسب افزایش رفاه اجتماعی کل جامعه می‌شود (توکلی والا، ۱۳۸۵). زنان از دیرباز مسئولیت فرزند پروری، همسررداری و انجام دادن امور خانواده را بر عهده داشته‌اند و برای ادامه زندگی



اجتماعی و رفع نیازهای جامعه از هیچ فعالیتی دریغ نکرده‌اند. همچنین در کلیه مراحل تاریخی، نیمی از فعالیت‌های اقتصادی در نتیجه تلاش آن‌ها سامان یافته‌است (محمدی، ۱۳۷۴). روی آوردن روزافزون زنان به کار در خارج از مرزهای خانواده، باعث گردیده تا آن‌ها در طول زندگی خود وظایف متعددی را عهده‌دار شوند و از آن‌ها انتظار می‌رود تا امور گوناگونی را برای حفظ انسجام خانواده انجام دهند. با ورود زنان به بازار کار، نقش پیشین آنان به گونه‌ای چشمگیر تغییر کرده و علاوه بر نقش همسری و مادری، نقش شغلی را نیز عهده‌دار شده‌اند (خیر آبادی، ۲۰۰۹: ۲۵۶). کارکردن زنان در جهان، به‌ویژه در کشورهای در حال توسعه، نشان دهنده‌ی گذار از نقش دنباله‌ای و انفعالی و نیز اشتیاق برای به‌دست آوردن آگاهی، مشارکت خواهی، و دخالت فعالانه در تعیین سرنوشت خویش در خانواده، محیط کار، و جامعه است (دموری و همکاران، ۱۳۸۸). در مجموع می‌توان گفت دلایل و انگیزه‌های زیادی جهت کارآفرین شدن و قبول و انجام فعالیت‌های اقتصادی برای زنان مطرح است که از آن جمله می‌توان به کسب موقعیت اجتماعی و هویت خود، آموزش و صلاحیت، حمایت اعضای خانواده، الگو شدن برای دیگران، داستان‌های موفقیت دوستان و آشنایان، آینده روشن، نیاز به درآمد بیشتر، اشتغال خانواده، سیاست‌ها و راهبردهای دولت، آزادی در تصمیم‌گیری و مستقل شدن، ایجاد اشتغال، نیاز به چالش جدید و توانمند شدن و تفکر خلاق اشاره نمود (گویا و پرکاش، ۲۰۱۱).

پژوهشگران کارآفرینی معتقدند کارآفرینی فرایندی پیچیده است و به میزان زیادی تحت تاثیر محیط و زمینه قرار دارد. در این راستا، محیط بر فرد اثر گذاشته و باعث بروز رفتار کارآفرینانه در افراد می‌شود (ویکلاند و شفر، ۲۰۰۵). مهم‌ترین عوامل موثر بر تعیین میزان حضور زنان در کارها و مشاغل اداری و سازمانی را می‌توان به عوامل اقتصادی، جمعیت شناختی، فرهنگی، اجتماعی و خانوادگی دسته‌بندی کرد (رابینز، ۲۰۰۹). همچنین صرف نظر از کلیه عوامل موثر بر کارآفرینی، هر فرد کارآفرین در یک زمینه اجتماعی مشغول فعالیت است و فعالیت کارآفرینانه خویش را در قالب اجتماع ایفا می‌کند، لذا عوامل اجتماعی از

مهم‌ترین عوامل موثر بر هر فعالیت کارآفرینانه‌ی فردی و گروهی است (رونینگ و جانگرن، ۲۰۰۷).

توسعه‌ی کارآفرینی، عوامل موثر بر آن و چالش‌های پیش روی کارآفرینان در نظریه‌های مختلفی مورد بحث و بررسی قرار گرفته‌است. نظریه‌های علم روانشناسی برای توسعه‌ی کارآفرینی، به ویژگی‌های روانشناختی کارآفرینان توجه کرده و ویژگی‌های مشخصی از جمله مخاطره‌پذیری، تحمل ابهام، اعتماد به نفس بالا، میل به استقلال طلبی، مرکز کنترل درونی را شرط لازم برای تحقق توسعه‌ی کارآفرینی می‌داند. نظریه‌های اقتصادی بیشتر به بحث نوآوری در تولید محصول و جلب سرمایه‌گذاری، ایجاد مبادله و گردش پول در اقتصاد، تحمل عدم قطعیت، داشتن مهارت‌های مدیریتی، آگاهی از فرصت‌های سودآور و کشف نشده و ... اشاره کرده‌اند (چودهوری، ۲۰۰۷: ۲۴). در نظریه‌ی رفتاری، از کارآفرینی به‌عنوان اساس‌ترین وسیله‌ی ارزش‌آفرینی یاد شده‌است. پیروان این نظریه، فرآیند کارآفرینی را تحت تاثیر محیط و زمینه‌ها دانسته‌اند (ایمنی قشلاق و همکاران، ۱۳۷۷).

در مجموع ادبیات تحقیق در باب مشارکت و حضور زنان در عرصه‌های اجتماعی و اشتغال نشان دهنده نظریات متفاوتی در خصوص دلایل مشارکت و یا عدم مشارکت زنان در فعالیت‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی است. برخی از پژوهش‌ها نشان می‌دهند که عوامل و موانع درونی شامل ساختار جنسیتی و نقش و وظایف زنان در خانه، در قبال همسر و فرزندان، در عدم مشارکت زنان در جامعه تاثیر زیادی دارند، درحالی‌که نتایج پژوهش‌های دیگر گویای این موضوع اند که موانع بیرونی شامل فرهنگ و باورهای عمومی، باورهای دینی و مذهبی و ارزش‌های رایج در جامعه تاثیر بیشتری در کاهش مشارکت زنان دارند (کریم زاده و همکاران، ۱۳۹۵: ۷۱).

به‌طور کلی می‌توان گفت بخشی از مسائل، چالش‌ها و مشکلات اشتغال و کارآفرینی زنان، موانع توسعه‌ای است که به ساختار کشورها مربوط می‌شود و بخشی از آن موانع غیر توسعه‌ای است (سفیری، ۱۳۷۷).



موانع غیر توسعه‌ای

۱) موانع فیزیولوژیکی: بسیاری بر این باورند که با توجه به ساختار فیزیولوژیکی و زیستی زنان در مقایسه با مردان، برخی از مشاغل به دلیل نیاز به قدرت زیاد از عهده زنان بر نمی‌آید به همین خاطر بهتر است زنان در مشاغلی به کار گمارده شوند که نیاز به قدرت و توانایی بدنی زیاد ندارند.

۲) موانع شخصیتی: آموزه‌های جامعه به زنان آموخته‌است که کارهای خارج از خانه ویژه مردان و کارهای داخل خانه مربوط به زنان است. در نتیجه، عدم اعتماد به نفس و اضطراب ناشی از ورود به جهانی که تا دیروز متعلق به مردان بوده و پذیرش شغل‌هایی که اساسا هنجارهای اجتماعی، آن‌ها را برای زنان نادرست می‌داند، برای زنان شرایطی را به لحاظ روحی و روانی ایجاد می‌کند که زن ترجیح می‌دهد که در خانه بماند و خود را درگیر مشاغل درآمدزای بیرون از خانه نکند. آن عده از زنانی که وارد جامعه می‌شوند ترجیح می‌دهند که به کارهای ساده روی آورند. البته به میزان رشد و افزایش تحصیلات (علمی، فنی و حرفه‌ای) اعتماد به نفس زنان نیز افزایش می‌یابد (ناجی راد، ۱۳۸۲). همچنین برای توسعه‌ی فعالیت‌های کارآفرینانه، علاوه بر مساعد بودن عوامل محیطی و ساختاری، تقویت ویژگی‌های روانشناختی افراد برای گرایش به کارآفرینی ضروری است (یعقوبی فرانی و همکاران، ۱۳۹۳).

موانع توسعه‌ای

در زمینه موانع توسعه‌ای می‌توان به موانع اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و قانونی اشاره کرد. در کشوری که اشتغال مناسب و در حد نیاز افراد خود را نمی‌تواند ایجاد کند، زنان بیشتر از همه صدمه خواهند دید. در جایی که سلسله مراتب اجتماعی براساس قدرت جسمی، زور و استبداد است، مثلا در نظام خانوادگی و نیز استخدام زنان در موسسه‌ها و سازمان‌ها، شرایط را برای زنان از سوی مردان سخت می‌کند. به‌طور حتم زمینه‌های فرهنگی هم این شرایط اقتصادی و اجتماعی را تداوم می‌بخشند. نظام فرهنگی با ارزش‌ها و اهداف تعیین شده از

سوی جامعه، شخصیت زنان را طوری می‌سازد که خود آنان این وضعیت را می‌پذیرند و در ثبات آن شریک می‌شوند (سفیری، ۱۳۷۷).

در نهایت می‌توان گفت جامعه‌ای که خواهان رشد و شکوفایی است باید موانع موجود بر سر راه کارآفرینی زنان را که نیمی از جمعیت هر کشوری را تشکیل می‌دهند به حداقل برساند (کاظمی و مقیمی ۱۳۹۷) زیرا کارآفرینان زن در عصر حاضر به‌طور بالقوه انگیزه یافته‌اند که برای بهبود شرایط زندگی خانواده، سهم بودن در تولید درآمد به‌همراه همسرانشان، تامین آموزش برای فرزندان، ایجاد فرصت‌های شغلی، توانمندسازی زنان دیگر و رهایی جامعه از بیکاری و نابرابری فعالیت کنند (سنگولاگی و آلاگودی، ۲۰۱۶).

پیشینه پژوهش

در باب موانع توسعه کارآفرینی زنان تحقیقات چندی در ایران و سایر کشورها صورت گرفته‌است که از آن جمله می‌توان به موارد زیر اشاره نمود: گلرد (۱۳۸۴) در پژوهش خود با عنوان «عوامل موثر در توسعه کارآفرینی زنان ایرانی» به این نتیجه رسید که نقش عوامل فردی در توسعه کسب و کار زنان ایرانی از سایر عوامل موثرتر است. همچنین مهم‌ترین انگیزه‌ها و اهداف زنان در کسب و کار، رضایت شغلی و کسب اعتبار و قدرت در جامعه و بارزترین ویژگی آنان توفیق طلبی و خلاقیت است. نتایج این پژوهش نشان داد که زنان کارآفرین با شبکه اولیه ارتباطی، رابطه قوی دارند و عوامل و شرایط محیطی کشور، شرایط مساعد و سوق دهنده‌ای برای توسعه کسب و کار زنان محسوب نمی‌شود و زنان ایرانی در توسعه کارآفرینی با موانع محیطی جدی روبرو هستند.

جلودار ربیع و همکاران (۱۳۸۶) در پژوهشی با عنوان «عوامل موثر بر موفقیت کارآفرینی زنان روستایی شمال کشور» به این نتیجه رسیدند که خانواده بیشترین تاثیر را بر موفقیت کاری زنان داشته‌است. کمک به بهبود شرایط زندگی خانواده و پس از آن کسب درآمد مستقل مهم‌ترین محرک پاسخگویان جهت راه اندازی کسب و کار و حصول موفقیت برای زنان بوده‌است.



میرغفوری و همکاران در سال ۱۳۸۸ در پژوهشی به تبیین و تحلیل موانع موثر بر کارآفرینی زنان در استان یزد پرداختند. نتایج این پژوهش نشان داد که ۳۰ مانع در شش بعد خانوادگی، علمی-تحصیلی، شخصیتی، مالی، فرهنگی-اجتماعی و قانونی، بر کارآفرینی زنان تاثیرگذار بوده و از بین موانع مورد مطالعه، بعد پرورشی در این زمینه تاثیرگذار نبوده است.

حیدری ساریان و کیل (۱۳۹۱) در پژوهشی به اولویت بندی موانع موثر بر کارآفرینی زنان روستایی در استان اردبیل پرداخته است. نتایج پژوهش نشان داد که از بین موانع موثر بر کارآفرینی زنان روستایی موانع اجتماعی-فرهنگی در استان اردبیل، موثرترین موانع فراروی کارآفرینی زنان روستایی بوده و موانع فردی، اقتصادی و روان‌شناختی در اولویت‌های بعدی قرار گرفته‌اند.

علیدوست و لشگرآرا (۱۳۹۲) در مطالعه خود با عنوان «موانع توسعه کارآفرینی زنان روستایی (مطالعه موردی: شهرستان گرمسار)» به این نتیجه رسیده‌اند که از میان موانع مورد مطالعه دو متغیر موانع اقتصادی و آموزشی در مجموع ۹۱ درصد از تغییرات واریانس توسعه کارآفرینی را در این شهرستان تبیین می‌کنند.

ربیعی و نظریان (۱۳۹۲) به بررسی موانع کارآفرینی زنان تحصیل کرده دانشگاهی ایران پرداخته‌اند. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که موانع فرهنگی و فردی مهم‌ترین موانع پیش روی کارآفرینی زنان است و در این میان عواملی چون وجود تبعیض‌های جنسیتی در محیط کار، ترس از شکست و تحریک‌پذیری بیشتر زنان نسبت به مردان، تلافی امور شرکت با مسائل خانوادگی و ناهمخوانی انتظاراتهای نقشی، وجود قوانین دست و پاگیر اداری، بوروکراسی موجود و تامین سرمایه اولیه و نقدینگی لازم از بالاترین اولویت و اهمیت برخوردار هستند.

جمینی و همکاران (۱۳۹۴) در پژوهشی با عنوان «تحلیل عواملی متغیرهای پیش‌برنده و بازدارنده توسعه کارآفرینی در میان زنان روستایی شهرستان روانسر» به این نتیجه رسیدند که شش عامل اقتصادی، اجتماعی-فرهنگی، روان‌شناختی، سیاست‌گذاری، فنی-آموزشی و عوامل

زیرساختی از نظر روستاییان به عنوان مهم‌ترین بازدارنده‌های توسعه‌ی کارآفرینی در این شهرستان مطرح هستند.

خسروی پور و همکاران در سال ۱۳۹۸ به بررسی موانع کارآفرینی زنان روستایی بخش مرکزی استان کرمانشاه پرداختند. نتایج این تحقیق نشان داد که به ترتیب، عامل زمینه‌ای با ۲۲/۶۲ درصد، عامل حمایتی با ۹/۳۹ درصد، عامل دولتی با ۵/۳۵ درصد، عامل شغلی با ۵/۰۴ درصد، عامل شخصیتی با ۳/۹۹ درصد، عامل جنسیتی با ۳/۵ درصد و عامل آموزشی با ۳/۲۹ درصد بیشترین تاثیر را به عنوان مانع در توسعه کارآفرینی زنان این منطقه داشته‌اند.

مطالعه فولمر و همکاران در سال ۲۰۱۰ با هدف شناسایی عوامل مهم کارآفرینی در روستاهای غرب بنگال نشان داد متغیرهای سن، تحصیلات، وضعیت تأهل، تعداد فرزندان، تعداد محصولات، پشتیبانی مالی خانواده، نوآوری، ثروت و وضعیت شغلی از مهم‌ترین تعیین‌کننده‌های توسعه کارآفرینی هستند. پژوهش چاکرابورتی در سال ۲۰۱۴ با هدف تعیین عوامل اقتصادی و اجتماعی تاثیرگذار بر توسعه کارآفرینی در منطقه آسام هند نشان داد سن، جنس و درآمد سالانه تأثیر مهمی بر توسعه کارآفرینی در محدوده مورد مطالعه دارد.

پژوهش بهارتوجان در سال ۲۰۱۴ نشان داد مهم‌ترین موانع کارآفرینی زنان در هند عبارت‌اند از: موانع مالی، محدودیت‌های قانونی و اداری، فقدان مهارت‌های مدیریتی و آموزشی، بازاریابی، فناوری، فقدان اعتماد به نفس، محدودیت تردد، مردسالاری و عدم ریسک پذیری.

روش پژوهش

روش پژوهش حاضر، با توجه به ماهیت موضوع و اهداف مورد نظر، مطالعه‌ای توصیفی-تحلیلی است که در سال ۱۳۹۶ در شهرستان سراوان در استان سیستان و بلوچستان صورت گرفته است. جمع آوری اطلاعات و داده‌های مورد نیاز به شیوه‌ی اسنادی و میدانی انجام شده است. ابتدا به کمک مطالعات اسنادی (بررسی مقالات، طرح‌ها، کتب و سایت‌های مختلف) موانع توسعه کارآفرینی زنان شناسایی شد. سپس موانع شناسایی شده در پنج گروه



زیرساختی، آموزشی، شخصیتی- فرهنگی، اقتصادی و حمایتی دسته‌بندی شده و براساس این موانع، درخت سلسله مراتبی (شکل ۱) پژوهش ترسیم شد. در نهایت باتوجه به درخت ترسیم شده و به صورت مقایسه‌ی زوجی موانع (معیارها)، پرسشنامه خبره‌ای طراحی شد که شامل ۴۲ مؤلفه مقایسه (به‌منظور مقایسه‌ی معیارها و زیرمعیارها) بود. باتوجه به اینکه موانع پرسشنامه توسط کارشناسان آگاه تعیین و تأیید شدند، پرسشنامه به لحاظ محتوا از روایی قابل‌قبولی برخوردار است. روش تحلیل سلسله مراتبی (FAHP) فازی براساس نظر خبرگان است. جامعه‌ی آماری این پژوهش زنان خبره‌ای بودند که لااقل یکی از ویژگی‌های زیر را دارا بودند: اعضای هیئت علمی دانشگاه‌های شهرستان؛ کارشناسان دستگاه‌های اجرایی مرتبط با موضوع پژوهش از جمله اداره ورزش و جوانان شهرستان، سازمان فنی و حرفه‌ای شهرستان، کارشناسان دانشگاهی، کارآفرینان و متقاضیان شروع فعالیت‌های خوداشتغالی در شهرستان. از این رو ۴۰ نفر از این خبرگان شناسایی و پرسشنامه‌ی طراحی شده به صورت حضوری در اختیار آن‌ها قرار گرفت. برای اولویت‌بندی موانع از نرم‌افزار تحلیل سلسله مراتبی فازی (AHP Fuzzy Chang) استفاده گردید.

فرآیند تحلیل سلسله مراتبی

فرآیند تحلیل سلسله مراتبی یا Analytical Hierarchy Process که به اختصار به صورت AHP بیان می‌شود، در واقع یکی از جامع‌ترین سیستم‌های طراحی شده برای تصمیم‌گیری با معیارهای چندگانه است. فرآیند تحلیل سلسله مراتبی که توسط توماس. ال. ساعتی (Saaty) معرفی شده است چهار اصل اساسی دارد:

شرط معکوسی: اگر ترجیح عنصر A بر عنصر B برابر n باشد ترجیح عنصر B بر عنصر A برابر 1/n خواهد بود.

شرط همگنی: عنصر A با عنصر B باید همگن و قابل‌قیاس باشند. به بیان دیگر برتری عنصر A بر عنصر B نمی‌تواند بی‌نهایت یا صفر باشد.

شرط وابستگی: هر عنصر سلسله مراتبی تنها به عنصر سطح بالاتر خود می‌تواند وابسته باشد و به صورت خطی این وابستگی تا بالاترین سطح می‌تواند ادامه داشته‌باشد. انتظارات: هرگاه تغییر در ساختمان سلسله مراتبی رخ دهد پروسه ارزیابی باید مجدداً انجام گیرد.

فرآیند تحلیل سلسله مراتبی شامل چهار گام اساسی است:

۱. تشکیل ساختار سلسله مراتبی پژوهش
 ۲. قضاوت‌های ترجیحی
 ۳. محاسبات وزن‌های نسبی
 ۴. ادغام وزن‌های نسبی و به‌دست آوردن وزن نهایی گزینه‌ها.
- گاهی پژوهشگر هنگام جمع‌آوری داده‌ها و پرسشنامه مقایسه زوجی با شرایطی روبرو می‌شود که امکان تعیین مقادیر دقیق و قطعی برای مقایسات زوجی وجود ندارد. در این‌گونه شرایط باید به دنبال مفاهیمی بود که بتواند به تصمیم‌گیرنده در اتخاذ تصمیم مناسب‌تر کمک کند. تئوری مجموعه فازی یکی از مفاهیمی است که می‌تواند به تصمیم‌گیرنده در اتخاذ تصمیم در شرایط عدم وجود اطلاعات کامل و دقیق کمک کند. به همین منظور پژوهشگران از این مفهوم در روش‌های تصمیم‌گیری چند معیاره کمک گرفته‌اند که فرآیند تحلیل سلسله مراتبی فازی (AHP Fuzzy) یکی از این موارد است. در سال ۱۹۸۳ دو محقق هلندی به نام‌های لارنون و پدریک، روشی را برای فرآیند تحلیل سلسله مراتبی فازی ارائه کردند که براساس روش حداقل مجذورات لگاریتمی بنا شده‌است، اما تعداد محاسبات و پیچیدگی مراحل آن باعث شد که این روش چندان مورد استفاده قرار نگیرد. در سال ۱۹۹۶ یک محقق چینی به نام یونگ چانگ روش دیگری تحت عنوان «روش تحلیل توسعه‌ای» ارائه کرد. با توجه به روش پیشنهادی چانگ، در تکنیک AHP فازی پس از ترسیم درخت سلسله مراتب تصمیم، باید به مقایسه زوجی عناصر هر سطح مدل پرداخت. در مرحله‌ی انجام محاسبات، با استفاده از تعاریف و مفاهیم AHP فازی، ضرایب هر یک از ماتریس‌های مقایسات زوجی



محاسبه می‌شود. به این ترتیب که برای هر یک از سطرهاى ماتریس مقایسات زوجی، ارزش S_k که خود یک عدد فازی مثلثی است، از رابطه‌های زیر به دست می‌آید.

$$S_k = \sum_{j=1}^n M_{ki}^j \otimes \left[\sum_{i=1}^m \sum_{j=1}^n M_{ij} \right]^{-1}$$

$$\sum_{j=1}^m M_{ij} = \left(\sum_{i=1}^m l_j, \sum_{i=1}^m m_j, \sum_{i=1}^m u_j \right) \quad i = 1, 2, \dots, m$$

$$\sum_{i=1}^m \sum_{j=1}^n m_{ij} = \left(\sum_i l_i, \sum_i m_i, \sum_i u_i \right)$$

$$\left[\sum_{i=1}^n \sum_{j=1}^m m_{ki}^j \right]^{-1} = \left[\frac{1}{\sum_{i=1}^n u_i}, \frac{1}{\sum_{i=1}^n m_i}, \frac{1}{\sum_{i=1}^n l_i} \right]$$

که در این روابط K بیانگر شماره سطر و i و j به ترتیب نشان دهنده گزینه‌ها و شاخص‌هاست. پس از محاسبه تمامی S_k ها، باید طبق رابطه زیر درجه بزرگی هر یک از عناصر سطوح را بر سایر عناصر آن سطح، به صورت جداگانه، محاسبه نمود.

$$\begin{cases} V(M_1 \geq M_2) = 1 & \text{if } m_1 \geq m_2 \\ V(M_1 \geq M_2) = hgt(M_1 \cap M_2) & \text{otherwise} \\ hgt(M_1 \cap M_2) = \frac{l_2 - u_2}{(m_1 - u_1) - (m_2 - l_2)} \end{cases}$$

میزان بزرگی یک عدد فازی مثلثی از K عدد فازی دیگر از رابطه‌ی زیر به دست می‌-

آید:

$$V(M_1 \geq M_2, \dots, M_k) = V(M_1 \geq M_2) \text{ and } \dots \text{ and } V(M_1 \geq M_k)$$

همچنین برای محاسبه‌ی وزن شاخص‌ها در ماتریس مقایسات زوجی به صورت زیر عمل می‌کنیم:

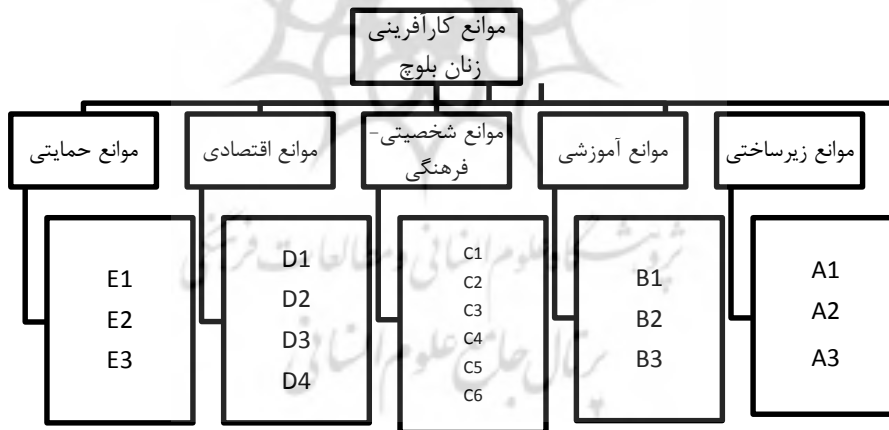
$$w'(x_i) = \min_{\{v(s_i \geq s_k)\}} \quad k = 1, 2, \dots, n, k \neq i$$

بنابراین، بردار وزن شاخص‌ها به صورت زیر خواهد بود، که همان بردار ضرایب غیر بهنجار AHP فازی خواهد بود:

$$w' = [w'(x_1), w'(x_2), \dots, w'(x_n)]^t$$

همان‌طور که مشاهده می‌شود در نهایت وزن نهایی به وسیله این روش به شکل بالا به دست می‌آید و رتبه‌بندی معیارها و زیر معیارهای پژوهش انجام می‌گیرد.

همان‌گونه که عنوان شد اولین قدم در فرآیند تحلیل سلسله مراتبی، ایجاد یک نمایش گرافیکی است که در آن، هدف، معیارها، زیرمعیارها و گزینه‌ها نشان داده می‌شود. در این پژوهش پس از گردآوری داده‌ها و شناسایی موانع، درخت سلسله مراتبی به صورت شکل (۱) ترسیم گردید.



شکل ۱: نمایش درخت تحلیل سلسله مراتبی با هدف اولویت بندی موانع کارآفرینی زنان بلوچ

جدول ۱: معیارها و زیر معیارهای پژوهش حاضر



ردیف	معیار	زیر معیار
۱	موانع زیرساختی	A1: فقدان یا کمبود زیرساخت‌های فیزیکی مناسب در شهرستان A2: عدم امنیت سرمایه‌گذاری اقتصادی در شهرستان A3: نبود مراکز تخصصی حمایت از طرح‌های کارآفرینانه‌ی زنان
۲	موانع آموزشی	B1: فقدان آموزش‌های مربوط به کارآفرینی و خوداشتغالی برای زنان در شهرستان B2: نبود مراکز مشاوره‌ی کارآفرینی برای راهنمایی زنان B3: پایین بودن مهارت و تجربه‌ی زنان در زمینه‌ی خوداشتغالی
۳	موانع شخصیتی-فرهنگی	C1: پایین بودن روحیه‌ی ریسک‌پذیری بین زنان C2: پایین بودن سطح خودباوری و اعتمادبه‌نفس بین زنان C3: پایین بودن فرهنگ تعاون و همکاری در بین زنان شهرستان C4: فراگیر نشدن فرهنگ کارآفرینی و خوداشتغالی در شهرستان C5: آشنایی محدود زنان با مقوله‌ی کارآفرینی و خوداشتغالی C5: وجود محدودیت‌های فرهنگی در منطقه از قبیل تعصبات، تبعیضات و ...
۴	موانع اقتصادی	D1: ناتوانی زنان در تأمین وثیقه برای مؤسسات مالی D2: نظام‌های پیچیده و طولانی مدت کمک‌های مالی D3: ناتوانی زنان در تأمین سرمایه اولیه خوداشتغالی D4: ناچیز بودن حمایت‌های مالی خوداشتغالی
۵	موانع حمایتی	E1: عدم تشویق و حمایت نکردن از طرح‌های کارآفرینانه زنان E2: بی‌توجهی سیاست‌های دولت به کارآفرینی و خوداشتغالی زنان E3: حمایتی نبودن و پیچیده بودن قوانین خوداشتغالی

جدول (۱) نشان دهنده توضیح و تفسیر زیر معیارهای پژوهش است. زیر معیارهای این پژوهش براساس ادبیات تحقیق و مطالعات پیشین در قالب پنج معیار بالا مشخص شده‌اند. در مرحله بعد پژوهش به منظور انجام مقایسات زوجی در روش تحلیل سلسله مراتبی فازی نیاز به تعریف اعداد فازی است که در روش چانگ از جدول زیر برای این منظور استفاده می‌شود.

جدول ۲: مقیاس تبدیل اعداد فازی

معادل فازی اولویت ها			درجه اهمیت	اولویت ها
حد بالا (U)	حد وسط (M)	حد پایین (L)		
۱	۱	۱	۱	اهمیت یکسان
۳	۲	۱	۲	یکسان تا نسبتا مهم تر
۴	۳	۲	۳	نسبتا مهم تر
۵	۴	۳	۴	نسبتا مهم تر تا اهمیت زیاد
۶	۵	۴	۵	اهمیت زیاد
۷	۶	۵	۶	اهمیت زیاد تا بسیار زیاد
۸	۷	۶	۷	اهمیت بسیار زیاد
۹	۸	۷	۸	بسیار زیاد تا کاملا مهم تر
۱۰	۹	۸	۹	كاملا مهم تر

تجزیه و تحلیل داده‌ها

در این قسمت به منظور رتبه‌بندی و اولویت‌بندی موانع کارآفرینی زنان بلوچ در شهرستان سراوان با استفاده از روش تحلیل سلسله مراتبی چانگ، در ابتدا به بررسی ضرایب ناسازگاری معیارهای تحقیق می‌پردازیم. درصد ناسازگاری نشان دهنده میزان اعتماد و عدم اعتماد ما به داده‌های گردآوری شده است. در صورتی که درصد ناسازگاری به دست آمده کمتر از ۰,۱ باشد، ماتریس سازگار بوده و می‌توان به نتایج وزن‌های به دست آمده اعتماد کرد. اما اگر درصد ناسازگاری بیشتر از ۰,۱ باشد تصمیم‌گیرنده باید در نتایج مقایسات زوجی تجدید نظر نماید.



جدول ۳: درصد ناسازگاری معیارهای پژوهش

ردیف	معیار	درصد ناسازگاری
۱	موانع زیرساختی	۰,۰۲۹۸
۲	موانع آموزشی	۰,۰۱۰۶
۳	موانع شخصیتی- فرهنگی	۰,۰۱۶۲
۴	موانع اقتصادی	۰,۰۰۶۳
۵	موانع حمایتی	۰,۰۰۰۱

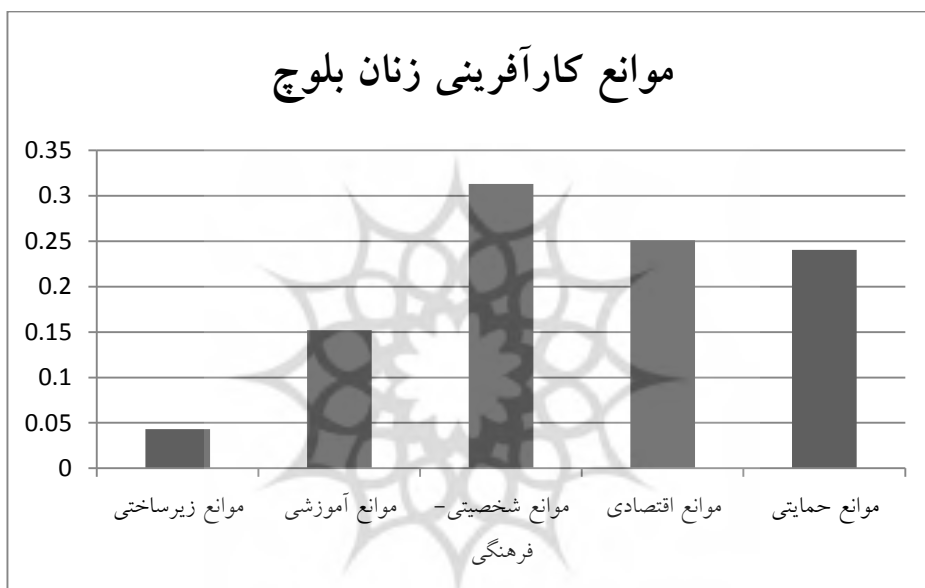
همان‌گونه که از جدول شماره (۳) پیداست درصد ناسازگاری معیارهای این پژوهش یعنی موانع زیرساختی، آموزشی، شخصیتی- فرهنگی، اقتصادی و حمایتی به ترتیب ۰,۰۲۹۸، ۰,۰۱۰۶، ۰,۰۱۶۲، ۰,۰۰۶۳ و ۰,۰۰۰۱ است. بنابراین، از آنجایی که تمام ضرایب ناسازگاری معیارهای پژوهش کمتر از ۰,۱ هستند. بنابراین سازگاری ماتریس‌های مقایسات زوجی قابل قبول بود و نیازی به تجدیدنظر نیست.

جدول ۴: رتبه بندی معیارهای پژوهش حاضر

ردیف	معیار	وزن
۱	موانع زیرساختی	۰,۴۳۰۸
۲	موانع آموزشی	۰,۱۵۲۱۷
۳	موانع شخصیتی- فرهنگی	۰,۳۱۳۲۲
۴	موانع اقتصادی	۰,۲۵۱۰۶
۵	موانع حمایتی	۰,۲۴۰۴۷

جدول شماره (۴) نشان دهنده رتبه‌بندی موانع کارآفرینی زنان بلوچ در شهرستان سراوان است. نتایج جدول بالا نشان دهنده این موضوع است که از نظر پاسخگویان موانع شخصیتی- فرهنگی با وزن ۰,۳۱۳۲۲ دارای بالاترین و موانع زیرساختی با وزن ۰,۴۳۰۸ دارای پایین‌ترین

درجه اهمیت به‌عنوان مانع کارآفرینی در شهرستان است. نتایج جدول همچنان گویای این موضوع است که به ترتیب اولویت، موانع شخصیتی- فرهنگی، موانع اقتصادی، موانع حمایتی، موانع آموزشی و موانع زیرساختی به‌عنوان مهم‌ترین موانع کارآفرینی فراروی زنان در شهرستان سراوان قرار می‌گیرند. این نتایج در تصویر شماره (۲) نیز ارائه شده‌اند.



تصویر شماره ۲: اولویت‌بندی موانع کارآفرینی زنان در شهرستان سراوان

به‌منظور مشخص نمودن میزان اهمیت زیرمعیارهای پژوهش، نتایج حاصل از مقایسات زوجی زیرمعیارهای تحقیق و اولویت‌بندی نتایج این مقایسات در قالب جدول ذیل ارائه شده‌است.

جدول شماره ۵: رتبه‌بندی زیر معیارهای پژوهش

ردیف	معیار	زیر معیار	وزن	رتبه
۱	موانع زیرساختی	فقدان یا کمبود زیرساخت‌های فیزیکی مناسب در شهرستان	۰,۰۸۳۷۳	۳
۲	عدم وجود امنیت سرمایه‌گذاری اقتصادی در		۰,۲۴۹۹۵	۲



			شهرستان
۱	۰,۶۶۶۳۱	نبود مراکز تخصصی حمایت از طرح‌های کارآفرینانه‌ی زنان	
۳	۰,۰۰۰۹۹	فقدان آموزش‌های مربوط به کارآفرینی و خوداشتغالی برای زنان در شهرستان	۲ موانع آموزشی
۱	۰,۹۴۱۵۹	نبود مراکز مشاوره‌ی کارآفرینی برای راهنمایی زنان	
۲	۰,۰۵۷۴۲	پایین بودن مهارت و تجربه‌ی زنان در زمینه‌ی خوداشتغالی	
۵	۰,۰۷۳۵۴	پایین بودن روحیه‌ی ریسک‌پذیری بین زنان	۳ موانع شخصیتی -
۶	۰,۰۳۰۶۹	پایین بودن سطح خودباوری و اعتمادبه‌نفس بین زنان	فرهنگی
۴	۰,۱۱۱۰۴	پایین بودن فرهنگ تعاون و همکاری در بین زنان شهرستان	
۲	۰,۲۳۰۷۳	فراگیرنشدن فرهنگ کارآفرینی و خوداشتغالی در شهرستان	
۳	۰,۱۴۵۱۸	آشنایی محدود زنان با مقوله‌ی کارآفرینی و خوداشتغالی	
۱	۰,۴۰۸۸۲	وجود محدودیت‌های فرهنگی در منطقه از قبیل تعصبات، تبعیضات و ...	
۲	۰,۲۸۱۴۹	ناتوانی زنان در تأمین وثیقه برای مؤسسات مالی	۴ موانع اقتصادی
۳	۰,۰۲۶۸۹	نظام‌های پیچیده و طولانی مدت کمک‌های مالی	
۱	۰,۶۸۶۸	ناتوانی زنان در تأمین سرمایه‌ی اولیه‌ی خوداشتغالی	
۴	۰,۰۰۴۸۲	ناچیزبودن حمایت‌های مالی خوداشتغالی	
۱	۰,۴۷۶۹۵	عدم تشویق و حمایت نکردن از طرح‌های	۵ موانع حمایتی

کارآفرینانه زنان

۲	۰,۳۱۹۲۱	بی‌توجهی سیاست‌های دولت به کارآفرینی و خوداشتغالی زنان
۳	۰,۲۰۳۸۳	حمایتی نبودن و پیچیده بودن قوانین خوداشتغالی

جدول شماره (۵) نشان دهنده اولویت‌بندی زیرمعیارهای پژوهش است. نتایج این جدول بیانگر این موضوع است که از بین موانع زیرساختی که دارای پایین‌ترین رتبه در بین موانع کارآفرینی است به ترتیب اولویت، نبود مراکز تخصصی حمایت از طرح‌های کارآفرینانه‌ی زنان، عدم وجود امنیت سرمایه‌گذاری اقتصادی در شهرستان و فقدان یا کمبود زیرساخت‌های فیزیکی مناسب در شهرستان قرار گرفته‌اند. نتایج تحقیق در زمینه اولویت‌بندی موانع آموزشی مشخص می‌نماید که به ترتیب اولویت، نبود مراکز مشاوره‌ی کارآفرینی برای راهنمایی زنان، پایین بودن مهارت و تجربه‌ی زنان در زمینه‌ی خوداشتغالی و فقدان آموزش‌های مربوط به کارآفرینی و خوداشتغالی برای زنان قرار می‌گیرند. در زمینه موانع شخصیتی - فرهنگی براساس نتایج پژوهش به ترتیب مهم‌ترین موانع عبارت‌اند از: وجود محدودیت‌های فرهنگی در منطقه از قبیل تعصبات، تبعیضات و ... ، فراگیر نشدن فرهنگ کارآفرینی و خوداشتغالی در شهرستان، آشنایی محدود زنان با مقوله‌ی کارآفرینی و خوداشتغالی، پایین بودن فرهنگ تعاون و همکاری در بین زنان شهرستان، پایین بودن روحیه‌ی ریسک‌پذیری بین زنان و در نهایت پایین بودن سطح خودباوری و اعتماد به نفس بین زنان. در زمینه موانع اقتصادی نیز به ترتیب اولویت، ناتوانی زنان در تأمین سرمایه‌ی اولیه‌ی خوداشتغالی، ناتوانی زنان در تأمین وثیقه برای مؤسسات مالی، نظام پیچیده و طولانی مدت کمک‌های مالی دولت به کارآفرینان و ناچیز بودن حمایت‌های مالی خوداشتغالی قرار دارند. از بین موانع حمایتی پژوهش، عدم تشویق و حمایت نکردن از طرح‌های کارآفرینانه زنان دارای بالاترین اولویت و پس از آن به ترتیب اولویت، بی‌توجهی سیاست‌های دولت به کارآفرینی و خوداشتغالی زنان و حمایتی نبودن و پیچیده بودن قوانین خوداشتغالی به‌عنوان مهم‌ترین موانع قرار می‌گیرند. با توجه به نتایج به‌دست آمده از پژوهش می‌توان نتیجه‌گیری نمود که با توجه به شرایط ویژه‌ی اجتماعی و



فرهنگی منطقه بلوچستان و رواج زندگی تا حدی سنتی در این منطقه از کشور، هنوز شرایط حضور زنان در فعالیت های کارآفرینانه به طور چشمگیری مهیا نشده است.

بحث و نتیجه گیری

کارآفرینی مقوله‌ای است که مفهوم آن روزبه‌روز دامنه علمی بحث اشتغال را در کشورهای مختلف تغییر می‌دهد. این مفهوم در دنیای امروز از مهم‌ترین دغدغه‌های کشورهای جهت مبارزه با بحث بیکاری و کاهش فقر است. براساس مطالعات اقتصاددانان حوزه توسعه، زنان به‌خصوص زنان سرپرست خانوار بیش از سایر اقشار جامعه در معرض خطر هستند. کارآفرینی زنان با توجه به مشکلات عدیده‌ای که کشورهای در حال توسعه با آن گریبانگیرند از اولویت‌های بسیار جدی این کشورهاست. ساختار نامناسب این کشورها علاوه بر موانع موجود و پیش روی مردان، مشکلات حادتری در بحث اشتغال و کارآفرینی برای زنان ایجاد می‌کند که شناسایی این مشکلات کمک بزرگی جهت رفع این موانع است. این پژوهش با هدف اولویت‌بندی موانع توسعه کارآفرینی زنان بلوچ در شهرستان سراوان با استفاده از روش تحلیل سلسله مراتبی فازی انجام گرفته است. با مطالعه ادبیات تحقیق و تایید کارشناسان حوزه اشتغال، موانع کارآفرینی زنان در شهرستان سراوان در پنج دسته‌ی زیرساختی، آموزشی، شخصیتی- فرهنگی، اقتصادی و حمایتی طبقه‌بندی شده و پس از رسم درخت سلسله مراتبی و انجام مقایسات زوجی مشخص شد که از بین معیارهای پژوهش، موانع شخصیتی- فرهنگی، موانع اقتصادی، موانع حمایتی، موانع آموزشی و موانع زیرساختی به ترتیب اولویت به‌عنوان مهم‌ترین موانع کارآفرینی فراروی زنان در شهرستان سراوان قرار دارند. نتایج این پژوهش همچنین نشان داد که از بین موانع زیرساختی، نبود مراکز تخصصی حمایت از طرح‌های کارآفرینانه‌ی زنان، از بین موانع آموزشی، نبود مراکز مشاوره‌ی کارآفرینی برای راهنمایی زنان، از بین موانع شخصیتی- فرهنگی، وجود محدودیت‌های فرهنگی در منطقه از قبیل تعصبات، تبعیضات و ...، از بین موانع اقتصادی، ناتوانی زنان در تأمین سرمایه‌ی اولیه‌ی خوداشتغالی و

در نهایت از بین موانع حمایتی، عدم تشویق و حمایت نکردن از طرح‌های کارآفرینانه زنان به ترتیب اولویت، مهم‌ترین موانع توسعه کارآفرینی زنان در این شهرستان هستند. نتایج این پژوهش مشخص نمود که این شهرستان همانند سایر شهرستان‌های استان در زمینه کارآفرینی زنان، به دلیل وجود موانع فرهنگی و اجتماعی شرایط مناسبی ندارد. در این شهرستان نیز مانند سایر نقاط این استان محروم، زیرساخت‌های اقتصادی لازم برای شروع فعالیت‌های کارآفرینانه مهیا نیست. بنابراین، موانع و مشکلات اقتصادی در کنار ساختار زندگی سنتی مردم استان، باعث کم‌رنگ شدن فعالیت‌های خوداشتغالی زنان شده و نیاز به توجه بیشتر سیاستگذاران جهت برنامه‌ریزی به منظور رفع این موانع است.





منابع

- ایمنی قشلاق، سیاوش؛ خانی، فضیله و هاشمی، سیدسعید. (۱۳۹۱). نقش گردشگری در توسعه‌ی کارآفرینی زنان روستایی (مطالعه تطبیقی: روستای کندون و اسکندان شهرستان ماکو). فصلنامه جغرافیا و توسعه ناحیه‌ای، ۱۰ (۱۸)، ۲۱۷-۲۳۸.
- توکلی والا، ژاله. (۱۳۸۵). بررسی موانع اجتماعی و فرهنگی اشتغال زنان ایران در دهه‌های اخیر. دفتر مرکزی خبرگزاری زنان ایران. قابل دسترس در سایت: <http://rahman-hatefi.net/barrasie%20mavane%20eshteghale%20zanan.htm>
- جمینی، داوود؛ تقدیسی، احمد؛ علیپور، خالد؛ و فیضی، شلیر. (۱۳۹۴). تحلیل عاملی متغیرهای پیش‌برنده و بازدارنده توسعه‌ی کارآفرینی در میان زنان روستایی شهرستان روانسر. مطالعات اجتماعی روانشناختی زنان، ۱۳ (۱)، ۶۳-۸۸.
- حیدری ساریان، وکیل. (۱۳۹۱). اولویت‌بندی موانع موثر بر کارآفرینی زنان روستایی مطالعه موردی: استان اردبیل. مطالعات اجتماعی - روان شناختی زنان، ۱۰ (۲)، ۱۵۹-۱۷۶.
- خسروی پور، بهمن؛ سلیمانی هارونی، خدیجه و آبی، نادیا. (۱۳۹۸). موانع کارآفرینی زنان روستایی بخش مرکزی استان کرمانشاه. فصلنامه تعاون و کشاورزی، ۸ (۲۹)، ۱۳۳-۱۵۲.
- دموری، داریوش؛ نجاتی آجی بیسه، مهران و منفرد، شمیم. (۱۳۸۸). شناسایی و رتبه‌بندی انگیزه‌های کارآفرینی دختران دانشجو با رویکرد TOPSIS فازی: بررسی دانشجویان دختر گروه اقتصاد و حسابداری دانشگاه یزد. مطالعات اجتماعی روان شناختی زنان، ۷ (۳)، ۷-۲۹.
- ربیعی، علی و نظریان، زهرا. (۱۳۹۲). بررسی موانع کارآفرینی زنان تحصیل‌کرده دانشگاهی ایران. ابتکار و خلاقیت در علوم انسانی، ۲ (۴)، ۱-۲۵.
- سفیری، خدیجه. (۱۳۷۷). جامعه‌شناسی اشتغال زنان. تهران: انتشارات تبیان.
- شیخیان، ناهید. (۱۳۸۲). کارآفرینی در کشورهای اروپایی. رهیافت، ۱۳ (۲۹)، ۶۱-۷۰.

- علیدوست، سمیه و لشگرآرا، فرهاد. (۱۳۹۲). موانع توسعه کارآفرینی زنان روستایی (مطالعه موردی: شهرستان گرمسار). *پژوهش‌های ترویج و آموزش کشاورزی*، ۶(۱)، ۷-۱۶.
- فلاح جلودار، ربیع؛ فرج اله حسینی، سیدجمال؛ حسینی، سیدمحمود؛ میردامادی، سیدمهدی. (۱۳۸۶). عوامل موثر بر موفقیت کارآفرینی زنان روستایی شمال کشور. *روستا و توسعه*، ۱۰(۴)، ۸۷-۱۱۵.
- کاظمی، عالیه و مقیمی، بهاره. (۱۳۹۷). بررسی موانع توسعه کارآفرینی در ایران با استفاده از فرایند تحلیل سلسله مراتبی. *زن و جامعه (جامعه شناسی زنان)*، ۹(۳۴)، ۲۴۹-۲۷۴.
- کریم زاده، مجید؛ فیاضی، مهرناز و میرکازهی ریگی، فائزه. (۱۳۹۵). موانع مشارکت زنان بلوچ در فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی. *فصلنامه علمی پژوهشی زن و فرهنگ*، ۸(۳۰)، ۷۳-۵۹.
- گلرد، پروانه. (۱۳۸۴). عوامل موثر در توسعه کارآفرینی زنان ایرانی. *زن در توسعه و سیاست (پژوهش زنان)*، ۳(۱)، ۱۰۱-۱۲۳.
- محمدی، اکرم. (۱۳۷۴). عوامل موثر در عدم حضور فعال زنان در قانونگذاری، سیاست گذاری و برنامه‌ریزی اجرایی. *زن، علم، صنعت و توسعه: (مجموعه مقالات کنگره نقش زن در علم، صنعت و توسعه)* (۱۰۵-۱۲۱). تهران: نهاد ریاست جمهوری، دفتر امور زنان.
- ملکی، گیلدا. (۱۳۷۷). کار زنان نادیدنی و ناشنیدنی. *مجله پیام زن*، ۱۲، ۲۳.
- میرغفوری، سیدحبيب اله؛ صیادی تورانلو، حسین؛ طاهری دمنه، محسن. (۱۳۸۸). تبیین و تحلیل موانع موثر بر کارآفرینی زنان (مطالعه موردی: استان یزد). *پژوهش نامه مدیریت تحول (پژوهش نامه مدیریت)*، ۱(۲)، ۴۷-۶۴.
- ناجی راد، محمد علی. (۱۳۸۲). *موانع مشارکت زنان در فعالیت‌های سیاسی اقتصادی در ایران پس از انقلاب*. تهران: انتشارات کویر.
- وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی. (۱۳۹۰). *نقشه توسعه کارآفرینی کشور، معاونت سرمایه انسانی و توسعه اشتغال*. قابل دسترسی در سایت: karaj.alborz.pnu.ac.ir/Portal/File/ShowFile.aspx?ID=dfc67068



یعقوبی فرانی ، احمد؛ سلیمانی، عطیه؛ موحدی، رضا. (۱۳۹۳). تحلیل عوامل موثر بر کارآفرینی زنان روستایی. *مطالعات اجتماعی روانشناختی زنان*، ۱۲ (۴)، ۷-۴۲.

Alidoost, S., Lashgarara, F. (2013). Barriers to Entrepreneurship Development in Rural Women (case study: Garmsar County). *Agricultural Extension and Education Research*, 6 (1), 7-16. (Text in Persian).

Bharthvajan, R. (2014). Women Entrepreneurs & Problems of Women Entrepreneurs. *International Journal of Innovative Research in Science, Engineering and Technology*, 3(9), 16104-16110.

Chakraborty, D. (2014). Socio-Economic Determinants of Growth of Rural Entrepreneurship in Sonitpur Distric of Assam- an Empirical Study. *Journal of Behavioural Economics, Finance, Entrepreneurship, Accounting and Transport*, 2(1), 26-34.

Chowdhury, M.S. (2007). Overcoming Entrepreneurship Development Constraints: the case of Bangladesh. *Journal of Enterprising Communities: People and Places in the Global Economy*, 1(1), 240-251.

DamOri, D., Nejati AjTbishe, M., and Monfared, S. (2009). Identifying and Ranking Motivations for Entrepreneurship among Female University Students Using a Fuzzy TOPSIS Approach: Case of Female Students of University of Yazd. *Women's Studies Sociological and Psychological*, 7(3), 7-29. (Text in Persian).

Fallah Jelodar, R., Farajollah Hosseini, J., Hosseini, M., and Mirdamadi, M. (2007). Factors Affecting the Entrepreneurship Success of Rural Women in the North of Iran. *Village and Development*, 10 (4), 87-115. (Text in Persian).

Folmer, H., Dutta, S., Oud, H. (2010). Determinants of Rural Industrial Entrepreneurship of Farmers in West Bengal: A Structural Equations Approach. *International Regional Science Review*, 33 (4), 367-396.

Golrood, P. (2005). Factors Affecting the Development of Iranian Women's Entrepreneurship. *Women in Development and Politics (Women's Research)*, 3(1), 101-123. (Text in Persian).

Goyal, M., and Parkash, J. (2011). Women Entrepreneurship in India- Problems and Prospects. *International Journal of Multidisciplinary Research*, 1(5), 195-207.

Heidari Sareban, V. (2012). Prioritizing Major Barriers to Rural Women's Entrepreneurship, Using AHP Method. Case study: Ardabil province. *Women's Studies Sociological and Psychological*, 10(2), 159-177. (Text in Persian).

Imani Gheshlagh, S., Khani, F., and Hashemi, S. S. (2012). The Role of Tourism in Improvement of Rural Women's Entrepreneurship: A Comparative Study of

- Kandovan and Eskandan villages in Osku District. *Journal of Geography and Regional Development*, 10(18), 217-238. (Text in Persian).
- Jamini, D., Taghdisi, A., Alipoor, K., and Faizi, S. (2015). Factor analysis of hindering and drawing variables of Entrepreneurship Development among Rural Women in Iran: Case Study of Ravansar Township. *Women's Studies Sociological and Psychological*, 13(1), 63-88. (Text in Persian).
- Karimzadeh, M., Fayazi, M., and Mirkazahi Rigi, F. (2017). Barriers to Baluch Women's Participation in Economic and Social Activities. *Journal of Women and Culture*, 8(30), 59-73. (Text in Persian).
- Kazemi, A., and Moghimi, B. (2018). Analysis of Barriers of Empowering Women's Entrepreneurship in Iran Using Analytic Hierarchy Process. *Quarterly Journal of Women and Society*, 9(34), 249-274. (Text in Persian).
- Kheirabadi, G., Ekochakian, S., Amanat, S., and Nemati, M. (2009). Comparison of the Quality of Life in Patients with Chronic Obstructive Pulmonary Disease and Control Group. *Hormozgan Medical Journal (HMJ)*, 12 (4), 255-260. (Text in Persian).
- Khosravipour, B., Solaimani Haroni, Kh., Nadia, A. (2018). Barriers to Rural Women's Entrepreneurship in Central division of Kermanshah Province. *Journal of Cooperation and Agriculture*, 8(29), 133-152. (Text in Persian).
- Maleki, G. (1998). The Work of Women Invisible and Not Heard. *Journal of Payame Zan*, 12, 23-23-31. (Text in Persian).
- Mirghfour, H., Sayadi Turanlou, H., and Taheri Demneh, M. (2009). Explaining the Barriers to Women's Entrepreneurship (case study: Yazd Province). *Change Management Research (Management Research)*, 1(2), 47-64. (Text in Persian).
- Mohammadi, A. (1995). Factors Affecting the Absence of Women in Legislation, Policymaking and Executive Planning. *Conference Proceedings of Women's Role in Science, Industry and Development* (105-121). Tehran: The Vice Presidency for Women and Family Affairs (Text in Persian).
- Najirad, M.A. (2003). *Barriers to Women's Participation in Economic Political Activities in Iran after the Revolution*. Tehran: Kavir Publishing. (Text in Persian).
- Rabiee, A., and Nazarian, Z. (2013). An Investigation into Obstacles to Entrepreneurship among Educated Women. *Journal of Innovation and Creativity in Human Science*, 2(4): 1-26. (Text in Persian).
- Robbins, S.P. (2009). *Organization theory, structure, design and applications*. United States of America: prentice-hall international edition.
- Running, I., Ijunggren, E. (2007). *Community Entrepreneurship: Building Entrepreneurship- Facilitating Social Capital*. nordland research institute, Norway.
- Safiri, Kh. (1998). *Sociology of Women's Employment*. Tehran. Tebyan Publications. (Text in Persian).



- Sangolagi, K., and Alagawadi, K. (2016). Woman Entrepreneurs. *International Journal of Advancement in Engineering Technology Management & Applied Science*, 3(1), 216-222.
- Shekhiyan, N. (2003). Entrepreneurship in European Countries. *Rahyaft*, 13(29), 61-70. (Text in Persian).
- Tavakoli Vala, Zh. (2006). *Examining Social and Cultural Barriers to Women's Employment in Iran in Recent Decades. The Iranian Women's News Agency headquarters.* <http://rahman-hatefi.net/barrasie%20mavane%20eshteghale%20zanan.htm>. Accessed 25 fe 2019. (Text in Persian).
- The Ministry of Cooperation, Labor and Social Welfare (2011), *Entrepreneurship Development Map of the Country, Deputy of Human Resources and Development of Employment* available at https://www.mcls.gov.ir/icm_content/media/image/2016/08/98789_orig.pdf (Text in Persian).
- Wiklund, j., and Shepherd, D. (2005). Entrepreneurial Orientation and Small Business Performance: A Configurational Approach. *Journal of business venturing*, 20: 71-91.
- Williams, C. (2007). Socio-spatial Variations in the Nature of Entrepreneurship. *Journal of Interesting Communities, people and places in the Global economy*, (11), 28- 32.
- Yaghoubi Farani, A., Soleimani, A., Movahedi, R. (2014). Analysis of the Factors Affecting Entrepreneurship of Rural Women. *Social Psychology Studies in Women*, 12(4), 7-42. (Text in Persian).

The Obstacles of Entrepreneurship for Baluch Women in Saravan District

Majid Karimzadeh¹

Abstract

The presence of women in the labor market varies according to the environmental, economic, social, cultural and political conditions in each country, and it depends on a variety of factors such as women's participation, government size and policies, distribution of household income and expenditures, unemployment, family living conditions, level of literacy and other cultural and social factors. The present study seeks to rank the barriers of entrepreneurship development of Baluch women in Saravan County in Sistan and Baluchistan province through using Fuzzy Analytic Hierarchy Process (FAHP). This research is a descriptive-analytic study carried out in 2017. The results show that among the barriers to Baluch women's entrepreneurship in Saravan County, personality-cultural barriers are the most effective obstacles to women's entrepreneurship development, and economic barriers, supportive barriers, educational barriers and infrastructural barriers are in the next priorities respectively. The results also show that personality and cultural barriers are the main obstacle for women in the county and cultural limitations in the region such as prejudice and discrimination have the highest priority.

Keywords

Entrepreneurship, Women, Saravan, Fuzzy Analytic Hierarchy Process

¹ Assistant Professor of Economics, Higher Educational Complex of Saravan, Saravan, Iran. Karimzadeh111@yahoo.com

Submit Date:2017/9/ 6

Accept Date:2019/1/2

(DOI): 10.22051/JWSPS.2019.17093.1560